



محمد محمودی
دیر سابق پایگاه اطلاع رسانی
آیت... هاشمی

رئیس جمهور پزشکیان به زودی به نیویورک خواهد رفت. سفری متفاوت برای یک نبرد گفتگمانی تمام عیار. نبردی گفتگمانی میان ایران، اسرائیل و آمریکا. نبردی برای تعیین مرزهای جدید صلح و جنگ در جهان و منطقه. رئیس جمهور پزشکیان در این نبرد گفتگمانی دو راه بیشتر ندارد. او یا باید شبیه گفتمان غالب گذشته، رجز بخواند، شعارهای بزرگ بدهد و برای عالم و آدم، نسخه حیات طیبه بپیچد و یا باگفتگمانی نو، تحولی عملگرایانه را رقم زده و با «منطق وفاق»، صندلی‌های خالی مجمع عمومی سازمان ملل را به سمت نتانیاهو بفرستد. سناریوی پیشنهادی من برای نبرد گفتگمانی رئیس جمهور پزشکیان در نیویورک این است: همان‌گونه که قبلاً در یادداشت «پزشکیان و دیپلماسی زندگی» نوشتم، رئیس جمهور پزشکیان باید از موضع یک «پزشک» به نیویورک برود و مانیفست خود را اینگونه اعلام کند که: «به مجمع عمومی سازمان ملل می‌روم تا به عنوان یک پزشک، راهی برای نجات جان جهان از چنگ جنایات نتانیاهو بیابم.» رئیس جمهور پزشکیان می‌تواند در مسیر تحکیم جایگاه یک پزشک سیاستمدار در مجمع عمومی سازمان ملل، از ترور چارلی کرک و سلاخی ایرانی‌اروتسکابیزاری بچوید و با خانواده‌های آنان همدردی کند. این همدردی به رئیس جمهور پزشکیان این امکان را می‌دهد تا از آخرین حرف‌های چارلی کرک هم درباره عدم ورود آمریکا به باتلاق جنگ با ایران، استفاده کرده و «ترامپ» را به استفاده از تومیه خیر خواهانه «چارلی کرک» دعوت کند. رئیس جمهور پزشکیان برای حفاظت از سناریوی خود، موقتاً نباید از ملاقات احتمالی روسای جمهور ایران و آمریکا بگوید ولی به عنوان یک ابتکار عمل موثر می‌تواند پیشنهاد کند که «روسی‌های جمهور آمریکا و ایران»، پای سخنرانی یکدیگر بنشینند و تمام حرف‌هایی را که می‌خواهند در ملاقات احتمالی باهم بزنند را از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کنند. از سوی دیگر رئیس جمهور پزشکیان می‌تواند از «نامه صلح» ملانیا ترامپ خطاب به پوپتین قدردانی کند، ولی در عین حال از وی به عنوان یک کاتولیک معتقد بخواهد به همسر خودش هم یادآوری کند که «کودکان هر نسل زندگی خود را با صداقت و معصومیتی آغاز می‌کنند که فراتر از مرزها، دولت‌ها و ایدئولوژی هاست.» رئیس جمهور پزشکیان همچنین می‌تواند ملانیا ترامپ را به عنوان همسر رئیس جمهور آمریکا، بلکه به عنوان «یک مادر مسیحی»، به ایران دعوت کند تا در کلیسای مریم مقدس ما کو حضور یافته و برای صلح جهانی دعا کند. نیایشی از قول فرانچسکو قدیدس؛ با این تعبیر ماندگار که «ای خداوند، مرا وسیله‌ای برای صلح خود قرار بده. «تمرکز بر «محاکمه نتانیاهو» در مجمع عمومی سازمان ملل، تحولی عملگرایانه از سوی ایران تلقی خواهد شد اگر، رئیس جمهور پزشکیان از مقابله علنی با آمریکا و اروپایی‌ها در نیویورک، پرهیز کند. پرهیزی از استراتژی که یقیناً انجام غیرمنتظره آن از سوی رئیس جمهور پزشکیان، انزوایی بی‌سابقه را برای صهیونیست‌ها، رقم خواهد زد. البته اگر این تاکتیک سرنوشت ساز - به هر دلیلی - از سوی رئیس جمهور پزشکیان رعایت نشود، اسرائیل باز هم - به احتمال زیاد- موفق خواهد شد، از مجادلات چند جانبه بی‌امون جمهوری اسلامی و پرونده هسته‌ای آن، فضایی برای لاپوشانی جنایات خود بسازد. درست شبیه ماجرای نفی هولوکاست و توجیه جنایات هیتلر از سوی رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایرانکه سال‌های سال سپری شد برای مظلوم‌نمایی صهیونیست‌ها در جهان. رئیس جمهور پزشکیان باید در نیویورک از پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی، با روش خودش، سم‌زدایی کند و بجای تکرار روش‌های سلبی و تهاجمی گذشته، با روایتی بی‌حاشیه از ۲۲ سال مذاکره هسته‌ای، «جهان» را به «دادوری» در مقابل یک سوال ساده فرا بخواند که، آیا به نتیجه نرسیدن این مذاکرات در دو دهه گذشته، به نفع گسترش جنگ تمام شده یا به افزایش صلح؟ رئیس جمهور پزشکیان حتی می‌تواند به صراحت جامعه جهانی را خطاب قرار داده و بپرسد: «آیا سازمان ملل و شورای امنیت می‌توانند تضمین کنند اگر ایران تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کرده و حتی از بین ببرد، جنایات صهیونیست‌ها متوقف شده و نتانیاهو در محاکم بین‌المللی به خاطر جنایات جنگی محاکمه شود؟» اگر این سناریو مورد توجه رئیس جمهور پزشکیان قرار گرفته و عملیاتی شود، یقیناً سخنرانی وی را هم در صحن سازمان ملل متحد، دیگر گونه خواهد کرد؛ با تغییراتی مهم در فرم و محتوا. مثلاً کاملاً اثبات شده که رئیس جمهور پزشکیان با خوانش متن‌های تنظیمی و طولانی، بخش مهمی از قدرت نفوذ کلام خود را از دست می‌دهد و حرف‌های اصلی خود را میان کلبه‌وازه نامانوس، گم می‌کند. برای دوری از این سناریوی غلط، فقط کافی است، نسخه اصلی پزشکیان را به پشت تریبون سازمان ملل فرستاد و استعداد کلامی و اعتماد به نفس خاص وی را در بیان صادقانه و موثر «منطق وفاق» به نظاره نشست و از نتایجش بهره‌مند شد. مهم‌ترین مبنای توفیق این سناریو در میزان غیر قابل پیش بینی بودن پزشکیان در نیویورک است. رئیس جمهور پزشکیان باید بداند که دوره حرف‌ها قابل پیش بینی در جهان امروز، گذشته است و در عصر حرف‌های منتظره‌ها، باید غیر منتظره سخن گفت. غیر منتظره‌ترین اقدام رسانه‌ای رئیس جمهور پزشکیان در سفر نیویورک، می‌تواند پیشنهاد گفت‌وگوی انتقادی با نمایندگان جامعه یهودیان آمریکا باشد. البته این بار به جای دیدارهای تکراری با خاخام‌های یهودی مخالف اسرائیل، رئیس جمهور پزشکیان باید پیشنهاد گفت‌وگوی رودرو با نهاد‌های افراطی حامی اسرائیل همچون بنیاد یهودی امور امنیت ملی (JINSA) و کمیته یهودیان آمریکا (AJC) را بدهد. پیشنهادی که اگر محقق شود، یکی از موثرترین اقدامات رسانه‌ای رئیس جمهور پزشکیان برای مقابله با ایران هراسی در حوزه‌های الملل خواهد بود.

زهرانژادبهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت گرفتار جزایر

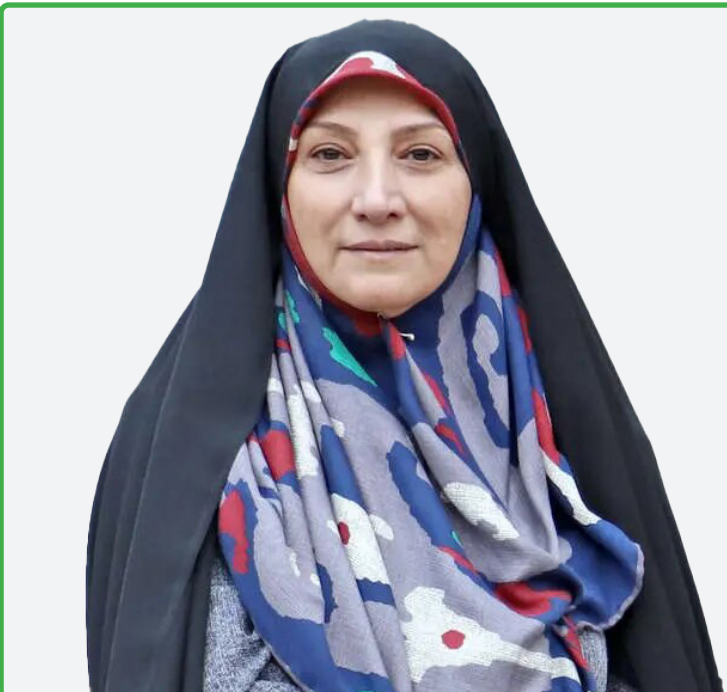
جداگانه تصمیم‌گیری

شده است



شکاف موجود در دولت سیگنال‌های خوبی به جامعه ارسال نمی‌کند

اعضای کابینه در مقابل تصمیم‌گیری‌های هم‌سد ایجاد می‌کنند



عدم استفاده دولت پزشکیان از زنان در لایه میانی دولت انتقاد دارد و با بیان اینکه دولت پزشکیان نیز در حوزه زنان راه دولت گذشته را در پیش گرفته معتقد است: «اگر چه چهار زن در هیات دولت حضور دارند اما در لایه‌های میانی همچنان با نوعی تبعیض جنسیتی مواجه هستیم. زنان جامعه ظرفیت بزرگی را در اختیار دارند که هنوز به خوبی به کار گرفته نشده است. واقعیت این است که حضور زنان در مراکز تصمیم‌گیر بسیار کم‌رنگ است. شاید وضعیت زنان در رونیای تصمیم‌گیری در کشورنا حدودی نسبت به گذشته بهتر شده اما در زیربنا و به‌رغم تلاش‌هایی که رئیس جمهور در این زمینه انجام داده هنوز وضعیت مناسبی ندارد و با چالش‌های جدی مواجه هستیم.» در ادامه محصل این گفت‌وگو‌ا می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری؛ دکتر زهرانژادبهرام استاد دانشگاه و عضو سابق شورای شهر در گفت‌وگو با «آرمان ملی» به مهم‌ترین نقاط ضعف دولت و چالش‌های پیش‌رو پرداخته است.
نژادبهرام دولت پزشکیان را یک دولت ناهماهنگ و نامنسجم می‌داند و معتقد است: «اعضای کابینه نه تنها از روش‌ها و تصمیم‌گیری‌های یکدیگر حمایت نمی‌کنند و بلکه به نوعی مانع می‌شوند در مسیر یکدیگر سد ایجاد می‌کنند. این عدم انسجام در اداره کشور نیز اخلال ایجاد کرده است. به عنوان مثال معاون وزیر ارشاد تصمیمی را می‌گیرد اما هیچ کدام از اعضای دولت از این تصمیم که تصمیم وزارت ارشاد است حمایت نمی‌کند. انرژی که رئیس جمهور برای رضایت نهاد‌های قدرت صرف می‌کند تاکنون نتوانسته خروجی خود را نشان بدهد.» وی همچنین به

پزشکیان و دولت چهاردهم به چه میزان توانسته‌اند برای بحران‌هایی که از گذشته به دولت رسیده راهکار ارائه کنند؟ نحوه مواجهه دولت با این چالش‌ها به چه صورت بوده است؟

امروز اگر بخواهیم پس از یک سال عملکرد دولت آقای پزشکیان را مورد بررسی قرار بدهیم باید به این نکته اذعان کنیم که نوعی عدم هماهنگی و انسجام در دولت وجود دارد. این تصویری نیست که امروز به وجود آمده باشد و بلکه از ابتدای شکل‌گیری دولت و به‌رغم همه بحران‌های اقتصادی و بین‌المللی و به خصوص جنگ ۱۲ روزه وجود داشته است. به نظر می‌رسد در دولت جزایر جداگانه‌ای وجود دارد که هر کسی کار خود را انجام می‌دهد و هیچ پل و شبکه‌ای بین آنها وجود ندارد. در واقع هر جزیره براساس آنچه تشخیص می‌دهد عمل می‌کند و تنها به نهاد‌های قدرتی پاسخ می‌دهد که در آن زمینه فعالیت می‌کند. این وضعیت بدون در نظر گرفتن اهداف دولت و مسیری که رئیس جمهور در پیش گرفته به وجود آمده است. اگر دولت را به دو بخش کسانی که از طرف رئیس جمهور انتخاب شده‌اند و در مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند و کسانی که چنین شرایطی نداشته‌اند تقسیم‌بندی کنیم باید عنوان کرد که ناهماهنگی بین هر دو بخش وجود دارد. تصمیماتی که در دولت گرفته می‌شود از سوی دیگران حمایت و پشتیبانی نمی‌شود و انگار تصمیماتی که گرفته می‌شود تنها با مدیر مربوطه است. شکافی که در کابینه به وجود آمده سیگنال‌های خوبی را به جامعه ارسال نمی‌کند. عدم انسجام نگرانی را نسبت به آینده دولت بیشتر کرده است. به نظر می‌رسد کسانی که در کابینه حضور دارند بیشتر تمایل دارند که رضایت مراکز قدرت را به دست بیاورند تا رئیس جمهور.

دلایل عدم هماهنگی در درون دولت را در چه مسائلی می‌دانید؟

کابینه دولت آقای پزشکیان بیشتر شبیه شرکت سهامی است. این وضعیت به خوبی در جریان جنگ ۱۲ روزه مشهود بود که رویکرد مدیران دولتی به شکلی بود که به نظر می‌رسید فاصله‌ها در دولت زیاد است. مردم به دنبال این بودند که عملکردمدیران در جریان جنگ به چه صورت است. این در حالی بود که به جز رئیس جمهور، وزیر امور خارجه، وزیر بهداشت و برخی دیگر از مدیران دولتی بقیه مدیران حضور موثری در عرصه تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی جنگ نداشتند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که اعضای کابینه نه تنها از روش‌ها و تصمیم‌گیری‌های یکدیگر حمایت نمی‌کنند و بلکه به نوعی مانع می‌شوند در مسیر یکدیگر سد ایجاد می‌کنند. اگر دولت بتواند انسجام درونی خود را حفظ کند در آن زمان می‌توان انتظار داشت که این انسجام در سطح عمومی جامعه نیز خود را نشان بدهد. این عدم انسجام در اداره کشور نیز اخلال ایجاد کرده است. به عنوان مثال معاون وزیر ارشاد تصمیمی را می‌گیرد اما هیچ کدام از اعضای دولت از این تصمیم که تصمیم وزارت ارشاد است حمایت نمی‌کند. انرژی که رئیس جمهور برای رضایت نهاد‌های قدرت صرف

به نظر می‌رسد در دولت جزایر جداگانه‌ای وجود دارد که هر کسی کار خود را انجام می‌دهد و هیچ پل و شبکه‌ای بین آنها وجود ندارد. در واقع هر جزیره براساس آنچه تشخیص می‌دهد عمل می‌کند

می‌کند تاکنون نتوانسته خروجی خود را نشان بدهد.

چرا تلاش پزشکیان برای رضایت نهاد‌های قدرت خروجی نداشته است؟

اختلافات در درون و بیرون دولت مشهود است. این وضعیت به خصوص در مجلس و درباره وزرای کابینه وجود دارد. این وضعیت نیز زمان را از رئیس جمهوری می‌گیرد تا بتواند وفاقی که مورد نظر ایشان بود را اجرا کند. به نظر می‌رسد تنها مأمین رئیس جمهور برای تکیه کردن مردم هستند. صراحت و صداقت رئیس جمهور که جزو ویژگی‌های برجسته ایشان است در ارتباط با مردم بیشتر بروز و ظهور پیدا کرده تا نهاد‌های قدرت. با این وجود رئیس جمهور همه واقعیت‌ها را به مردم نمی‌گوید. چه بسا اگر رئیس جمهور بخواهد اخلال‌های به وجود آمده ناشی از عدم انسجام کابینه را مرتفع کند و راهی باز کند باید با مردم به صورت صریح گفت‌وگو کند و مسائل را بی‌پرده بازگو کند. البته برخی از اخلال‌هایی که در اداره کشور وجود دارد به دلیل دخالت برخی نهاد‌های قدرتمند است. نشست سران قوا نیز دیگر جایی است که رئیس جمهور می‌تواند به آن تکیه کند و به وسیله آن مشکلات کشور را حل کند. دو مسأله‌ای که رئیس جمهور با تأکید بر آنها توانست در انتخابات ریاست جمهوری به موفقیت دست پیدا کند رفع مشکلات اقتصادی مردم و همچنین حل بحران‌های بین‌المللی پیرامون ایران بود. ما در عرصه بین‌المللی اگرچه وارد گفت‌وگو شده‌ایم، اما هنوز نتوانسته‌ایم پاسخ مناسب دریافت کنیم. البته ریشه برخی بحران‌های کشور در گذشته است و کسانی که به شکل‌های مختلف مسیر دیپلماسی ایران نسبت به جهان را مسدود کرده‌اند باید نسبت به وضعیت موجود پاسخگو باشند. در یک سال ابتدایی دولت آقای پزشکیان نیز اتفاقات عجیب و غریب زیادی در زمینه سیاست خارجی رخ داد که در دولت‌های گذشته رخ نداده

شاید وضعیت زنان در رونیای تصمیم‌گیری در کشور تا حدودی نسبت به گذشته بهتر

شده اما در زیربنا و به‌رغم تلاش‌هایی که

رئیس جمهور در این زمینه انجام داده هنوز

وضعیت مناسبی ندارد

علی بیگدلی؛

نهاد‌های مسئول هر تصمیمی بگیرند عده‌ای همه چیز را برهم می‌زنند

غربی نتوانند روی حرف و اقدام‌ها حساب چندانی باز کنند. در هر صورت، اگر در این کمتر از ۱۰ روز باقی‌مانده دسترسی‌های توافق‌شده را به بازرسان آژانس هسته‌ای تا آنان گزارش‌های خود از فعالیت‌های سازمان را ارائه دهند، مکانیسم ماشه اجرا خواهد شد و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران باز خواهد گشت. البته بعد از پایان این ۱۰ روز، همچنان ۱۵۰ روز برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها فرصت داریم، اما هر چه سریع‌تر باید اقدامات لازم را انجام دهیم. بیگدلی ادامه داد: در آن صورت با قرارگیری مجدد کشور در ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل، ایران به عنوان کشوری که صلح و امنیت

عدم نتیجه‌بخشی اقدامات دیپلماتیک‌ما از جمله‌گفت‌وگوهای اخیر آقای عراقچی باوزاری خارجه‌تروئیکای اروپایی‌شده است. متأسفانه در کشور ما مراکز تصمیم‌گیری به قدری متنوع و متعارض است که هنوز نتوانسته‌ایم به تصمیمی مشخص درباره بازرسان آژانس برسیم و به دلیل وجود گروه‌های تندرو و نمایندگان آنان در مجلس، هیچ‌کسی جرأت ندارد اجازه بازگشت بازرسان را صادر و آن را اعلام کند. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل اضافه کرد: متأسفانه نهاد‌های مسئول هر تصمیمی که بگیرند، عده‌ای وارد می‌شوند و با تحرکات و اظهارنظرات خود، همه چیز را به هم می‌زنند. این باعث شده که کشورهای

غربی نتوانند روی حرف و اقدام‌ها حساب چندانی باز کنند. در هر صورت، اگر در این کمتر از ۱۰ روز باقی‌مانده دسترسی‌های توافق‌شده را به بازرسان آژانس هسته‌ای تا آنان گزارش‌های خود از فعالیت‌های سازمان را ارائه دهند، مکانیسم ماشه اجرا خواهد شد و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران باز خواهد گشت. البته بعد از پایان این ۱۰ روز، همچنان ۱۵۰ روز برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها فرصت داریم، اما هر چه سریع‌تر باید اقدامات لازم را انجام دهیم. بیگدلی ادامه داد: در آن صورت با قرارگیری مجدد کشور در ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل، ایران به عنوان کشوری که صلح و امنیت

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل با بیان اینکه شورای عالی امنیت ملی به دلیل نگرانی از واکنش تندروها، اجازه انتشار متن توافق ایران و آژانس در داخل کشور را نداده است، اظهار کرد: دبیرکل آژانس بر اساس این توافق اعلام کرده که بازرسان به تأییدساز هسته‌ای ایران دسترسی خواهند داشت و حال منتظر آغاز نصب دوربین‌ها در تمام سایت‌های هسته‌ای اعم از تأسیسات تخریب‌شده است تا مسأله ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد نیز تعیین تکلیف شود. جماران نوشت: علی بیگدلی با بیان اینکه، اما موانع داخلی اجازه اجرای کامل این توافق را نمی‌دهد، افزود: این بلاتکلیفی و سردگمی در صورت تداوم باعث

گزارش

قطعی شدن بازگشت قطعنامه‌ها

اثرات مکانیسم ماشه

بر اقتصاد ایران چیست؟

امانوئل مکرون در تازه‌ترین مواضع خود علیه ایران صریح‌تر از همیشه سخن گفت. او در گفت‌وگویی تأکید کرد که «مکانیسم ماشه» نه یک تهدید بلکه یک تصمیم قطعی است. این یعنی همان قطعنامه‌هایی که بعد از برجام در شورای امنیت تعلیق شده بودند، دوباره به چرخه بازمی‌گردند. این موضع‌گیری در حالی مطرح می‌شود که پیش‌تر سه کشور اروپایی، فرانسه، انگلیس و آلمان به طور رسمی روند فعال سازی ماشه را آغاز کرده بودند، اما هنوز در محافل دیپلماتیک امیدی به مصالحه باقی بود. حالا اظهارات مکرون، به مثابه مهر تأیید بر پایان برجام و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل تعبیر شده است.

تحریم‌های اروپا

از منظر اقتصادی، اروپا هرگز نتوانسته همان میزان فشار آمریکا را بر ایران اعمال کند. تحریم‌های ایالات متحده به دلیل گستردگی و ماهیت فراسرزمینی خود، دسترسی ایران به نظام بانکی جهانی، فروش نفت و حتی نقل وانتقال ارز را مختل کرده‌اند. در مقابل، اروپا بیشتر بر تحریم‌های هوشمند و محدود متمرکز بوده است. برای نمونه، شرکت‌های اروپایی در حوزه انرژی و صنعت، هرچند با تحریم‌های اتحادیه اروپا مواجه‌اند، اما همچنان راه‌هایی برای همکاری پیدا کرده‌اند. به علاوه، معافیت‌های بیشتر و سستان، امکان ارسال دارو و اقلام پزشکی را باز گذاشته است. بنابراین، بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل از مسیر اروپا، در مقایسه با تحریم‌های سنگین آمریکا، اثر اقتصادی مستقیمی بر زندگی روزمره ایرانیان ندارد.

اثر روانی، اثر واقعی

مسأله اصلی، اثر روانی این تصمیم است. وقتی رئیس جمهور فرانسه با صراحت از قطعی بودن ماشه سخن می‌گوید، پیام پنهان این است که تحریم‌ها به یک وضعیت دائمی تبدیل خواهند شد. در چنین فضایی، مردم و فعالان اقتصادی دیگر امیدی به رفع محدودیت‌ها ندارند و این ذهنیت، بر تصمیمات آنان سایه می‌اندازد. کافی است بازار ارز را نگاه کنیم، تنها خبر احتمال بازگشت قطعنامه‌ها کافی است تا نرخ دلار افزایش یابد، حتی پیش از آن‌که تحریم‌ها اجرا شوند. این همان «انتظارات تورمی» است؛ وقتی همه پیش‌بینی می‌کنند قیمت‌ها بالا می‌رود، از ترس گرانی بیشتر، زودتر خرید می‌کنند و همین رفتار، خود گرانی تازه‌ای می‌سازد.

اجماع سخت در اروپا

در سطح سیاسی هم پیامد مهمی در راه است. اروپا در سال‌های گذشته بارها نشان داده که رسیدن به اجماع در موضوع ایران کار ساده‌ای نیست. برخی کشورها به دلایل اقتصادی یا سیاسی تمایل دارند درهای تعامل را باز نگه دارند. اما اگر مکانیسم ماشه عملی شود، یک تصمیم جمعی علیه ایران ثبت می‌شود که لغو آن، حتی سخت‌تر از اعمالش خواهد بود. به زبان ساده، اگر روزی مذاکراتی برای رفع تحریم‌ها در میان باشد، بازگرداندن اروپا به نقطه صفر تقریباً غیرممکن خواهد بود. چرا که برخی از کشورهای اروپایی می‌توانند با مخالفت و ایجاد فشار، جلوی لغو تحریم‌ها را بگیرند. نتیجه این فرایند، انزوای طولانی‌تر ایران در عرصه بین‌المللی است؛ حتی اگر اثر اقتصادی آن به اندازه تحریم‌های آمریکا نباشد.

محصول سیاست خارجی

بازار ایران سال‌هاست که با عامل «انتظار» زندگی می‌کند. هر بار که خبر از مذاکره یا توافقی منتشر می‌شود، قیمت‌ها آرام می‌گیرند. هر بار هم که سخن از تحریم تازه‌ای به میان می‌آید، بازار دچار شوک می‌شود. این بار هم داستان مشابهی در حال تکرار است. تصویر ذهنی ایرانیان پس از بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل به معنای نمادین بزرگی دارد: ایران دوباره به فهرست کشورهای تحت فصل هفتم منشور ملل متحد برمی‌گردد. این تغییر جایگاه، در ذهنیت عمومی معادل با «انزوای دائمی» است. همین ذهنیت، به سرعت خود را در بازار ارز، کالاهای مصرفی و انتظارات تورمی نشان خواهد داد. در شرایطی که اقتصاد ایران بیشاپیش با کسری بودجه و نقدینگی بالا دست و پنجه نرم می‌کند، یک جرقه روانی کافی است تا شعله تورم دوباره بالا بگیرد.

سیاست خارجی و جیب مردم

اظهارات مکرون، بیش از آنکه یک اعلان رسمی دیپلماتیک باشد، یک پیام روانی به بازار ایران است. اگرچه تحریم‌های اروپا در عمل توان تخریب تحریم‌های آمریکا را ندارند، اما با بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل معنای نمادین بزرگی دارد: ایران دوباره به فهرست کشورهای تحت فصل هفتم منشور ملل متحد برمی‌گردد. این تغییر جایگاه، در ذهنیت عمومی معادل با «انزوای دائمی» است. همین ذهنیت، به سرعت خود را در بازار ارز، کالاهای مصرفی و انتظارات تورمی نشان خواهد داد. در شرایطی که اقتصاد ایران بیشاپیش با کسری بودجه و نقدینگی بالا دست و پنجه نرم می‌کند، یک جرقه روانی کافی است تا شعله تورم دوباره بالا بگیرد.